



Research Article
**A Jurisprudential Examination of Guarantee of Material
Damage Related to the Counselor's Error in Non-benevolent
Psychological Counseling**

Hossein Radmard¹

Sayyid Ali Sayyid Mousavi²

Akbar Najm³

Received: 11/10/2021

Accepted: 17/03/2022

Abstract

With the spread of psychological trauma as well as the complexities of daily life, the number of people referring to counselors and counseling centers has increased significantly, and this has provided the context for creating new interdisciplinary topics in jurisprudence and psychology, one of which is counseling in non-benevolent counseling. The present study aims to examine the guarantee of material damage related to the counselor's error in non-benevolent psychological counseling that has been done by an ijihad method. The research findings indicate that first, although it does not have an independent title in the narrative and

1. PhD student in Qur'an and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding author). h.r1360@yahoo.com.

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law Al-Mustafa International University, Qom, Iran. z.p1364@chmail.ir.

3. Master student of jurisprudence and basics of Islamic law, Qom University, Iran. a.najm.talabeh@gmail.com.

* Radmard, H., & Sayyid Mousavi, S. A., & Najm, A. (1401 AP). A Jurisprudential Examination of Guarantee of Material Damage Related to the Counselor's Error in Non-benevolent Psychological Counseling. *Journal of Fiqh*, 29(109), pp. 138-168. Doi: 10.22081/jf.2022.62079.2390.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

jurisprudential literature, the jurisprudential-psychological study of this issue is possible. Second, the criteria of the narrations of the expert, the doctor's guarantee, and the error of the jurist in the fatwa are the jurisprudential supports of the subject under study. Third, the error of the consultant will be a guarantee if it is the main cause of the damage and leads to material loss for the clients. Therefore, the consultant is considered a guarantor for the error that has caused material damage to his clients.

Keywords

Consultant, guarantee, damage, religious authorities, doctor.

مقاله پژوهشی

بررسی فقهی ضمان خسارت مادی مستند به خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیرتبرعی

حسین رادمرد^۱ سید علی سیدموسوی^۲ اکبر نجم^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

چکیده

با گسترش آسیب‌های روانی و همچنین پیچیدگی‌های زندگی روزمره، مراجعه افراد به مشاور و مراکز مشاوره افزایش چشم‌گیری پیدا کرده و این امر زمینه را برای ایجاد موضوعات جدید بین‌رشته‌ای فقه و روان‌شناسی فراهم آورده است که یکی از آن موارد، مقوله ضمان مشاور در مشاوره‌های غیرتبرعی است. هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی ضمان خسارت مادی مستند به خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیرتبرعی است که به روش اجتهادی صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که الف. امکان بررسی فقهی-روان‌شناختی این مسئله با وجود اینکه عنوان مستقلاً در ادبیات روایی و فقهی ندارد، امکان‌پذیر است، ب. ملاک‌های روایات باب کارشناس، ضمان طیب و خطای فقیه در فتوا، پشتوانه‌های فقهی موضوع مورد بررسی است، و ج. خطای مشاور چنانچه عامل اصلی بروز خسارت بوده و منجر به زیان مادی برای مراجع شود، ضمان آور خواهد بود. بنابراین مشاور درباره خطایی که موجب خسارت مادی برای مراجع خود شده است، ضامن محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها

مشاور، ضمان، خسارت، مراجع، طیب.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). h.r1360@yahoo.com
 ۲. استادیار فقه و مبانی حقوق جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. z.p1364@chmail.ir
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، ایران. a.najm.talabeh@gmail.com
- * رادمرد، حسین؛ سیدموسوی، سیدعلی و نجم، اکبر. (۱۴۰۱). بررسی فقهی ضمان خسارت مادی مستند به خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیرتبرعی. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۹(۱۰۹)، صص ۱۳۸-۱۶۸.
 Doi:10.22081/jf.2022.62079.2390.

مقدمه

امروزه موضوع مشاوره در حوزه‌های مختلف نظری و کاربردی بیش از هر زمان دیگر در عرصه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی با گرایش‌های متنوع و متعدد رفتاری، شناختی، روانی، تربیتی، تحصیلی، خانوادگی، ازدواج و نظایر آن مورد توجه قرار گرفته است. مشورت یکی از توصیه‌های مؤکد دین اسلام است که در آیات قرآن کریم (آل عمران، ۱۵۹؛ شوری، ۳۸) و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مطرح گردیده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۸۸؛ حرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳).

مشاوره به مفهوم اصطلاحی و فنی رایج خود، فرایندی فراتر از شور و مشورتی ساده است که معمولاً بدون هیچ‌گونه تعهد و التزامی به عناصر و لوازم مشاوره صورت می‌پذیرد. مشاوره فعالیتی تخصصی، یاورانه، حضوری، هدف‌دار و عاطفی بین مراجع و مشاور در فضایی آزادانه، صادقانه و سرشار از تفاهم و همدلی است که مراجع به طرح مشکل خود با مشاور می‌پردازد و پس از تجزیه و تحلیل و خودشناسی بهتر و عمیق‌تر، با کمک او تصمیم مناسبی می‌گیرد و در نهایت به حل مشکل کنشی توفیق می‌یابد (شفیع آبادی، ۱۳۸۳).

مشاوره به‌عنوان فعالیت حرفه‌ای، مصون از خطای مشاور نیست (رحمانی و کارگران، ۱۳۹۸). خطای مشاور گاه از منظر اخلاق مشاوره مورد بررسی قرار می‌گیرد (کیانی، ۱۳۹۱) و گاه از منظر حقوقی مورد توجه و تحلیل است (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲)، اما کمتر از رهگذر حکم فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

فرایند مشاوره، چه در هر یک از مراحل تشخیص و فرایند درمان، و چه در حوزه روابط بین مشاور و مراجع، از منظر اخلاقی، محملی برای بروز خطای مشاور است. بروز خطا در هر یک از مراحل می‌تواند خسارت‌های متنوعی را برای مراجع به وجود آورد.

۱. فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَضَوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْتِزْ بِهِمْ وَاسْتَغْنِزْ لَهُمْ وَسَاوِزْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.
۲. وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.

در مشاوره‌های روان‌شناختی هر دو گونه خسارت مادی و معنوی در خطای مشاور متصور و ممکن است (نقیبی، ۱۳۸۸، ص ۳۰)؛ لکن پرداختن به خسارت‌های معنوی به جهت گستردگی و زوایای متعددی که دارد (نقیبی، ۱۳۸۸، ص ۵۵) رسالت نگاشته حاضر نبوده و پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

خدمات مشاوره‌ای به گونه‌های مختلفی ارائه می‌گردد؛ گاهی مشاوران به صورت فردی و یا در قالب مراکز و مؤسسات رسمی، خدمات تبرعی و بدون دریافت اجرت مشاوره‌ای ارائه می‌دهند و گاهی نیز مشاور در ازای ارائه خدمات مشاوره خود اجرت دریافت می‌نماید. خطای این گونه مشاوره‌ها عمدتاً در چهارچوب «مسئولیت مدنی» مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار می‌گیرد (رحمانی و کارگران، ۱۳۹۸). هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیرتبرعی است که موجب خسارت مادی برای مراجع گردیده است.

احکام اسلامی به طور کلی از مصالح عموم مردم در زمینه‌های مختلف دنیوی و اخروی حمایت و جانب‌داری می‌کند و از مجموع مقررات اسلامی برمی‌آید که حقوق اسلامی، ضمن حمایت از جان، مال، آبرو و تمامی حقوق شهروندان، همه را نیز به رعایت این حقوق مکلف کرده است؛ یعنی علاوه بر حکم تکلیفی که موضوع آن فعل یا ترک مکلف است و حرمت ضرررساندن به دیگران، در صورت ایراد زیان، به ثبوت اعتباری زیان‌های وارده در ذمه فاعل زیان حکم کرده است. در فقه اسلامی از این امر با عنوان «ضمان» بحث شده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳).

بحث از ضمان در موضوعات مختلف قابل طرح و بررسی فقهی است، لکن همان‌طور که بیان شد، آنچه رسالت اصلی پژوهش حاضر می‌باشد، بررسی فقهی ضمان خطایی است که توسط مشاوران در مشاوره‌های روان‌شناختی رخ می‌دهد. با بررسی اجمالی مباحث فقهی و حقوقی، این گونه به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین بحثی که قرابت قابل توجهی با موضوع مذکور دارد، مجموعه تلاش‌هایی بوده که پیرامون ضمان طیب صورت گرفته است. منابع روایی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع اشاره داشته‌اند.

از جمله مباحث دیگری که در منابع روایی و آرای فقها و همچنین دیدگاه‌های حقوقی می‌توان نزدیک به مسئله پژوهش حاضر دانست، مباحثی است که از آن با نام «ضمان کارشناس» یاد شده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین و مبسوط‌ترین اثر متأخر که مستقیماً موضوع ضمان طیب را از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده، کتاب المبسوط فی فقه مسائل المعاصره؛ المسائل الطبیه (فائینی، ۱۳۸۲) است. رحمانی و کارگران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با «عنوان مسئولیت مدنی ناشی از خطا در مشاوره علمای مذهبی»، تلاش نموده‌اند با نگاهی حقوقی-فقهی وضعیت ضمان و عدم ضمان چنین خطایی را بررسی نمایند.

علی‌رغم وجود همه موضوعات کم و بیش مرتبط اما غیرمستقیم با مسئله پژوهشی حاضر، لکن بررسی‌های اولیه هیچ پژوهش و مطالعه‌ای را در خصوص ضمان خطای مشاوره در مشاوره‌های روان‌شناختی گزارش نکرد. از این رو با توجه به گسترش روزافزون مشاوره‌های روان‌شناختی و پیامدهای خطای مشاور در این گونه مشاوره‌ها، پرداختن به این مسئله ضرورت پیدا می‌کند. به بیانی دیگر، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «آیا خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیرتبرعی که موجب خسارت مادی برای مراجع می‌گردد ضمان آور است؟» از این رو مواردی از قبیل مشاوره‌های غیرتبرعی که مستلزم خسارت معنوی بوده یا مشاوره تبرعی که موجب خسارت مالی شده، از محل بحث این پژوهش خارج است. از این رو به منظور پاسخ‌دادن به سؤال اصلی پژوهش، ابتدا برخی از مفاهیم مرتبط با محل نزاع را بررسی و مفهوم‌شناسی می‌نماییم. سپس با روشی اجتهادی به طرح اقوال متصور در مسئله و قول مختار خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. خطا

خطا به معنای «سهو و اشتباه» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۶۲۳) و در اصطلاح حقوقی مقابل عمد، و عبارت است از وصف عملی که فاعل آن دارای قوه تمیز بوده و به علت غفلت یا

نسیان یا جهل یا اشتباه یا بی‌مبالاتی و عدم احتیاط، عملی را که مخالف موازین اخلاقی، قانونی و فقهی است مرتکب شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ص ۶۲۳). گاهی خطا به معنای تقصیر نیز به کار می‌رود. تقصیر تخلف عمدی و یا غیر عمدی از یک تعهد ناشی از عقد یا از یک الزام قانونی است؛ خواه مستلزم تحقق خسارت بشود و یا اینکه به دنبال آن خسارتی به وجود نیامده باشد (رحمانی و کارگران، ۱۳۹۸). برخی تأکید می‌کنند که خطا به معنای تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است (رحمانی و کارگران، ۱۳۹۸)؛ بنابراین مواردی بر پایه مسامحه، غفلت، عدم دقت لازم و... نیز از مصادیق خطا به معنای تقصیر است.

در مشاوره‌های روان‌شناختی نیز زمینه‌های زیادی برای بروز خطا در مراحل مختلف تشخیص، درمان و ارتباط با مراجع وجود دارد. خطا در فرایند مشاوره نیز می‌تواند زمینه مشکلات و پیامدهای منفی و زیان‌بار مادی و معنوی را فراهم سازد. از این رو است که خطای مشاور که موجب خسارت مادی برای مراجعه‌کننده داشته است، وارد در محل نزاع می‌گردد.

۱-۲. خسارت

خسارت در لغت فارسی به معنای زیان و ضرر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۵۲۳؛ عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱۷). به تعبیر دیگر، خسارت به مطلق زیان و آسیب وارده بر چیزی اطلاق می‌شود؛ اعم از اینکه زیان مادی یا معنوی باشد (معین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۴۱۹)، لکن در لغت عربی به معنای نقصان استفاده شده است (زبیدی، ۱۳۰۷ق، ج ۳، ص ۳۴۹) که با معنای فارسی آن دارای تقارب است و بلکه می‌توان ادعا نمود که مترادف‌اند؛ زیرا تصویر زیان و ضرر در چیزی بدون نقصان بی‌معنا خواهد بود.

در خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی، هر دو نوع خسارت مادی و معنوی متصور است. گاهی خطای مشاور باعث خسارت‌های مادی قابل توجهی برای مراجع می‌گردد؛ از باب مثال، چنانچه مشاور به جهت خطا در تشخیص، تجویز به طلاق کند و مراجع به این جهت متحمل هزینه‌های متعدد در پیگیری فرایند طلاق شود، یا به تجویز

مشاور، مراجع امکانات و ابزارآلاتی را برای خود فراهم سازد، یا به جهت حل مشکل روحی خود به شهر دیگری نقل مکان کند، همه این موارد مستلزم هزینه‌هایی خواهد بود که چنانچه به استناد خطای مشاور باشد، وارد در محل نزاع می‌گردد. قید استناد فعل مراجع به تجویز مشاور از قیود لازمه است که در ادامه بحث بدان پرداخته خواهد شد. لکن در بحث حاضر مراد از خسارت، هزینه‌هایی است که به موجب خطای مشاور به مراجع تحمیل می‌شود.

یکی از استعمال‌های متعارف خسارت در زبان عربی و ادبیات حقوقی و فقهی برای بیان نقصان و زیان، کلمه «ضرر» است (نقیبی، ۱۳۸۸). لغویان نوعاً ضرر را به معنای «ضد النفع» می‌دانند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۸۲) و برخی آن را به معنای نقصان می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۶).

در اصطلاح فقهی، غالب فقها ذیل قاعده لاضرر به معنای اصطلاحی ضرر پرداخته و دو معنای اصطلاحی برای ضرر بیان شده است. ضرر به هر نقصی در مال و آبرو و جان فرد دیگر اطلاق می‌شود، ولی ضرر در مال و نفس استعمال بیشتری دارد و درباره احترام و آبرو کمتر استعمال می‌شود (خوانساری نجفی، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۱۹۸).

۳-۱. ضمان

ضمان در لغت از ماده ضمن، مشتق، و به معنای کفالت از چیزی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق) و قراردادن چیزی در شیئی دیگر به صورتی که آن را در بر داشته باشد اطلاق می‌گردد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۲).

ضمان در اصطلاح فقها در سه معنا به کار برده شده است؛ گاهی مراد از آن عقد ضمان و به معنای انتقال ذمه و تعهد از مضمون‌عنه به ذمه ضامن است (کراجکی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۶۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۱). در اصطلاح دوم، ضمان تعهدی است که به سبب قرارداد یا معاوضه‌ای رخ می‌دهد (امامی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۱۲). در اصطلاح سوم نیز ضمان عقد خاص نیست، بلکه با تعبیر ضمان قهری از آن یاد می‌شود و به معنای مسئولیت انجام امری و یا جبران زبانی است که کسی در اثر عمل خود به دیگری وارد

آورده است. مسئولیت مزبور از آن جهت که در اثر عمل قضایی و بدون قرارداد و عقد حاصل می‌شود، ضمان قهری خوانده می‌شود (امامی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۳۶۱).

از آنجا که ضمان قهری به سبب عقد نیست، باید دارای اسبابی باشد که سبب ایجاد این مسئولیت باشد. مهم‌ترین موجبات ضمان طبق مبانی فقه و حقوق اسلامی، شامل چهار سبب غصب، اتلاف، تسبیب و استیفا می‌شود (طاهری، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۹۴). با توجه به آنچه بیان گردید و اهمیت نوع ارتباط بین تجویز مشاور و عمل مراجع، از میان اسباب و موجبات ضمان عمدتاً تسبیب بیشترین ارتباط را با مسئله پژوهشی حاضر خواهد داشت.

تحقق ضمان قهری معلول ایجاد ضرر و زیان است؛ زیرا اگر زیانی در کار نباشد، صحبت از ضمان بی‌معنا خواهد بود. در مشاوره‌های روان‌شناختی نیز در مصادیق متعدد وجود ضرر زیان‌بار مادی و معنوی متصور است، اما نکته اساسی که جای تأمل دارد، تحقق سببیت بین فعل یا قول مشاور و ضرر به وجود آمده برای مراجع است.

طبق قواعد کلی حقوقی، صرف وقوع خطا از طرف مشاور پزشکی و غیرپزشکی و ورود ضرر و زیان به فرد جهت احراز مسئولیت و تحقق ضمان کفایت نمی‌کند، بلکه باید بین وقوع خطا و ورود ضرر، رابطه سببیت وجود داشته باشد تا به حکم مقتضی در زمینه ضمان قهری دست یافت.

با این حال، اثبات سببیت بین خطای مشاوران و روان‌شناسان درباره پزشکانی که مستقیماً در امر درمان دخالت دارند، بسیار دشوارتر است؛ چراکه عموماً اسباب دیگری نیز به غیر راهنمایی اخذشده از مشاور در این موارد در بروز خسارت نقش داشته است. اثبات اینکه علت اصلی زیان موجود خطایی بوده است که از سوی مشاوره ایجاد شده، کار دشواری است.

بر اساس اصول مسئولیت مدنی نیز صرف راهنمایی و مشاوره از طرف شخصی منجر به مسئولیت او در صورت بروز خسارت نمی‌گردد. پیش شرط اولی برای حکم خسارت، اتکا و اعتماد شخص بر مشاور است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین یکی از نکات اساسی،

تصور تحقق سببیت بین فعل یا قول مشاور با ضرر به وجود آمده خواهد بود. این مسئله ذیل بررسی قول به ضمان مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. استناد ضرر مراجع به تجویز مشاور

استناد خسارت مراجع به تجویز مشاور یکی از قیود لازم مسئله حاضر است. بیان مطلب اینکه به طور کلی استناد خسارت به مشاور مستلزم دو شرط است: اولاً مشاور مشاوره خود را به صورت تجویزی و نه مطلق توصیه کرده باشد، و ثانیاً مراجع با تکیه بر دستور مشاور و انجام آن متحمل خسارت شده باشد. فقها در باب ضمان طیب و شمول آن درباره غیرمباشر، به این نکته اشاره می کنند که در صورتی که طیب امر به مصرف دارویی به خصوص مریض خودش نمود و به خطا رفت، بحث از ضمان قابل طرح است؛ لذا اگر طیبی به طور کلی و نه به صورت تجویزی در خصوص فواید دارویی صحبت کرد، از محل بحث خارج است؛ مثل اینکه بگوید عرق نعناع برای دل درد مفید است، یا بگوید برای فلان درد فلان دارو اثر دارد، بدون اینکه مستقیماً مراجع خود را به مصرف آن دارو توصیه نماید. در چنین مواردی، رابطه استنادی بین خسارت و تجویز پزشک برقرار نیست (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۶۲؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ خوانساری، بی تا، ص ۳۶۹). برخی فقها ذیل بحث مذکور اقدام طیب بر نوشتن نسخه به صورت متعارف را نیز در حکم امر و تجویز و داخل در محل نزاع دانسته اند؛ زیرا که در این صورت نیز بدین گونه است که طیب درد را به مریض بیان نموده و می گوید مریضی تو این است و درمان آن این داروها است که در این صورت نیز رابطه استنادی وجود دارد (موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۴؛ بهجت، ۱۴۲۳ق، ص ۵۴۸). شروط مذکور در رابطه بین مراجع و مشاور، در مشاوره روان شناختی نیز وجود دارد. از این رو قید استناد خسارت به تجویز مشاور، یکی از قیود مؤثر در مسئله حاضر است.

بنابراین در صورتی که مشاور امر یا توصیه به انجام امری بدهد و مراجعه کننده با تکیه بر آن عملی انجام دهد که مستلزم خسارت گردد، عرفاً این خسارت مستند به تجویز مشاور بوده و وارد در محل نزاع بود، می توان گفت ادله ضمان طیب شامل مشاور نیز می شود.

۳. جایگاه عنوان مشاور در ادله و قول فقها

۳-۱. تعمیم عنوان کارشناس به مشاور (دسته اول روایات)

یکی از موضوعاتی که باید در این نگاشته مورد بررسی قرار گیرد، این نکته اساسی است که با بررسی اجمالی ادله و نظرات فقها در کتب فقهی به نظر می‌رسد مستقیماً به «مشاور» و «خطای مشاور» اشاره نشده است. بر همین اساس در نگاه اول بهره‌گیری از منابع فقهی و ادله روایی دچار چالش است، اما به نظر می‌رسد این چالش اولیه با وجود سه دسته روایات و ادله، به راحتی قابل رفع بوده و بهره‌گیری از منابع فقهی و ادله روایی را توجیه‌پذیر می‌نماید.

در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و به تبع در متون فقهی، فقها از ضمان متخصصان در امور مختلف، همانند قصار و ختان و نجار و... بحث کرده و به تناسب ادله موجود قائل به ضمان شده‌اند. تأمل در دسته اول از روایات نشان می‌دهد که مراد امام علیه‌السلام مطلق کارشناس است و نمونه‌های بیان شده از باب مثال است و الا در نظر عرف هیچ فرقی بین قصار و خیاط و صباغ با مشاور از این جهت که همه کارشناس در حیطه خویش بوده و به سبب تسلط بر حیطه کاری خودشان مورد مراجعه مردم قرار می‌گیرند، نیست. دلیل این ادعا این است که بعضی از فقها ذیل روایاتی که دال بر ضمان ختان و صباغ و... هستند، این گونه بیان می‌کنند: «وتقریب الاستدلال أن یقال إن هذه الأحادیث عامّة وشاملة للطیب والیطار والختان وجميع أرباب التخصص» (مکارم، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰۸؛ مکارم، ۱۴۱۹ق، ص ۴۸). این بیان به صراحت نشان می‌دهد که ذکر طیب و ختان و... همه از باب مثال بوده و قاعده فوق ناظر به صورتی است که فرد مورد مراجعه، متخصص در فن خویش بوده و در آن جهت به او مراجعه شده باشد.

دومین قرینه اینکه فقها در باب اثبات ضمان برای «صناع»، از روایات ضمان طیب استفاده نموده و همچنین برای اثبات ضمان مطلق اجیر، به روایات مذکور تمسک کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص ۳۲۳؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱۲؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۳۰۴؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۱۴۲). این استدلال نشان‌گر آن است که نزد فقهای فوق‌الذکر مسلم بوده است که در روایت ضمان طیب، خصوص طیب موضوعیت

نداشته و از باب ذکر مثال یا به جهت تناسب سؤال سائل بیان شده است. بنابراین این دسته از روایات شامل تمامی متخصصانی می‌شود که در تخصص خویش مورد مراجعه هستند.

قرینه دیگر مؤید این تعمیم، بیانی است که فقها ذیل قاعده «من اخذ الأجرة علی أن یصلح فأفسد فهو ضامن» مطرح نموده‌اند. فقها با ضمیمه کردن این قاعده فقهی به روایاتی که به موضوعات یا عناوین و مصادیق خاص اشاره دارند، تعمیم روایات را توجیه‌پذیر و ذکر مصادیق خاص را حمل بر بیان موارد از باب مثال می‌دانند (این روایات به تفصیل در بیان ادله قول اول روایات عامه بیان خواهد شد).

۲-۳. تعمیم عنوان طیب به مشاور (دسته دوم از روایات)

به نظر می‌رسد عنوان طیب در روایات، عنوانی عام است که شامل طبابت جسم و روح می‌شود؛ بنابراین می‌توان از عنوان طیب در روایات ضمان طیب، الغای خصوصیت نموده و آن را شامل مشاور دانست که طیب روح و روان است. بر همین اساس ادله طیب شامل طبابت روح و روان نیز می‌شود که رسالت اصلی مشاوره‌های روان‌شناختی است. از این رو رابطه عنوان طیب و مشاور رابطه عام و خاص مطلق خواهد بود.

از سویی دیگر، اشکال اینکه طبابت امری مباحثی و مشاوره امری غیرمباحثی است و این سبب فرق بین دو عنوان و عدم امکان شمول عنوان طیب به مشاور است نیز قابل پاسخ می‌باشد. این اشکال به نحو دیگری ذیل خود روایات باب طیب مطرح گردیده است. برخی بر این باورند که «روایات باب طیب ناظر به فعل مباحثی طیب است و در صورت عدم مباحثت طیب، روایات شامل آن نخواهد بود.» بسیاری از علما به اشکال مذکور این گونه پاسخ داده‌اند که حمل روایات بر طبابت مباحثی از قبیل حمل بر فرد نادر است؛ زیرا طبابت در عصر ائمه علیهم‌السلام نوعاً به صورت غیرمباحثی و در قالب دستور و توصیه درباره استفاده از دارو بوده است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۷؛ موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۳؛ قاینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۰). متعارف بودن این امر در عصر محقق عاملی (عاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۷۹۹)

و اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۷۲) نیز گزارش شده؛ چه اینکه در زمان حاضر نیز این امر متعارف (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۱۴۴؛ آل‌راضی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۱) و حتی به تمامی عصرهای گذشته نیز نسبت داده شده است (موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۳). جدای از ادعای ندرت طبابت مباحثی، مسلم این است که روایات طبابت شامل طبابت غیرمباحثی نیز می‌شود (عاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۷۹۹؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۶۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۷۲؛ خوانساری، بی‌تا، ص ۳۶۹؛ رشتی، ۱۳۱۱ق، ص ۳۳۹).

حال که طبابت به مباشرت امری نادر است، حمل روایات به آن صورت، حمل بر مورد نادر است (موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۳) و حمل دلیل بر فرد نادر صحیح نیست (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۳؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۴۴؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۴). لذا آنچه مورد مناقشه بود و به‌عنوان فارغ بین طبابت و مشاوره مطرح گردید، قابل پاسخ و مردود است.

آنچه در این بین اهمیت ویژه دارد این است که فقها درباره روایت ضمان طیب و شمول آن به طبابت غیرمباحثی معیاری بیان کرده‌اند که در فهم تعمیم روایات طیب و شمول آن به مشاور، بسیار راهگشا است و می‌توان الغای خصوصیت از طیب و شمول آن بر مشاور را درک نمود.

برخی فقها در بیان علت اینکه چرا طیب در طبابت غیرمباحثی ضامن است، این‌گونه بیان می‌کنند که در هر حال آنچه به‌عنوان ملاک برای ضمان مهم است، اثبات استناد عرفی افساد است و در عصر حاضر این استناد در طبابت‌های غیرمباحثی که به‌صورت نوشتن نسخه است وجود دارد (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۷؛ بهجت، ۱۴۲۳ق، ص ۵۴۸؛ موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۴؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷۱؛ خمینی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۶؛ اشتهااردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۷؛ فاضل، ۱۴۲۱ق، ص ۶۳۰). این معنا از اطلاق روایت «من تطیب...» نیز فهمیده می‌شود (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۱۴۴؛ موسوی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۳). حال که معیار بیان‌شده استناد عرفی بوده و اطلاق روایات نیز مؤید آن است، طبعاً هرگاه این عنوان باشد، ضمان نیز مطرح خواهد بود و در مشاور نیز این معیار به‌وضوح وجود دارد؛ لذا طرح بحث ضمان در مشاوره مؤید فقهی خواهد داشت.

۳-۳. خطای فقها در فتوا (دسته سوم روایات)

دسته سوم از روایات که می‌تواند زمینه را برای بهره‌گیری از ادله روایی در محل نزاع فراهم کند، روایات دال بر ضمان مجتهد است (حسنی، ۱۳۹۴). از این رو عمده فقها معتقدند که اگر مجتهد بعد از صدور فتوایی متوجه خطای خود گردد و برای مقلد به سبب عمل به آن ضرر مالی به دنبال آورده باشد، ضامن است (ر.ک به: محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۸۰۰؛ لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۰۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۵). لذا از آنچه به تفصیل در تعمیم روایات کارشناس و طیب به مشاور بیان شد، حکم این صورت نیز مشخص می‌شود؛ زیرا در این صورت نیز ما به فهم عرفی قطعی، خصوصیتی نداریم، غیر از اینکه مجتهد متخصص در فقه است و عرف به جهت تخصصش به او مراجعه کرده است. بنابراین این دسته از روایات هم‌سو با دو دسته قبل، و مؤید ادعای مورد نظر است.

از آنچه در تحلیل اجمالی سه دسته روایات و مباحث فقهی مرتبط با آن گذشت، می‌توان این نتیجه را ملاک کار پژوهشی حاضر دانست که اساساً آنچه در روایات باب طیب و کارشناس و خطای فقها مطرح شده، قابل استفاده در مسئله ضمان خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی نیز است.

۴. بررسی اقوال متصور در مسئله

پس از بیان مفاهیم اولیه و شرایط تحقق ضمان، بررسی امکان بهره‌مندی از ادله روایی و منابع فقهی را در محل نزاع مورد بررسی قرار دادیم. در این بخش دو قول متصور در مسئله مطرح شده، و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. قول به ضمان

عده‌ای از فقها در صورت مراجعه شخصی به طیب و ایجاد خسارت در فرد مراجعه‌کننده، طیب را مسئول جبران خسارت ایجادشده می‌دانند و عمده دلیل ایشان

برای اثبات ضمان، روایات ائمه علیهم السلام است (قاینی، ۱۳۸۲؛ کاظمی، ۱۳۸۹). مهم ترین ادله قائلان ضمان، ادله روایی و بنای عقلا است.

ادله دال بر ضمان را در دو دسته کلی می توان تقسیم بندی نمود:

۱-۴-۱. روایات

الف. روایات عامه

روایات متعددی وجود دارد که مضمون واحد آن دلالت بر ضمان شخصی دارد که به جهت اصلاح امری اجرتی دریافت نموده، لکن سبب افساد آن شیء گشته است. از این مورد در لسان فقها، با تعبیر «من اخذ الاجرة على ان يصلح فافسد فهو ضامن» یاد می شود (فاضل موحی لنگرانی، ۱۳۸۱). قاعده مزبور از آنجا که اولاً مستفاد از روایات است و ثانیاً امری کلی بوده و مصادیق متعدد دارد، از آن تعبیر به روایات عامه می شود.

به عنوان نمونه به چند روایت اشاره می شود:

الف. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْقَصَّارِ يُفْسِدُ قَالَ كُلُّ أَحْبِرٍ يُعْطَى الْأَجْرَ عَلَيَّ أَنْ يُصْلِحَ فَيُفْسِدُ فَهُوَ ضَامِنٌ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۳۱)؛ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره خیاطی پرسیده شد که کار را به ضرر و با خسارت انجام بدهد، فرمود: هر کسی که به او اجرتی داده می شود تا کاری را به نفع انسان انجام بدهد ولی آن را خراب کند، ضامن خسارت است.

ب. رَوَى حَمَّادٌ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الثَّوْبَ لِيَصْبِغَهُ فَيُفْسِدُهُ فَقَالَ كُلُّ عَامِلٍ أُعْطِيَتهَ أَجْرًا عَلَيَّ أَنْ يُصْلِحَ فَأَفْسَدَ فَهُوَ ضَامِنٌ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۵۳)؛ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که لباسی را برای رنگ کردن پذیرفته و آن را خراب کرده است، فرمود: هر سازنده ای که برای کارش اجرت می ستاند که آن را اصلاح کند، اگر آن را خراب و تباه کند ضامن است.

در دو روایت فوق با وجود اینکه سؤال جناب حلبی از امام صادق علیه السلام درباره «قصار» است، لکن ایشان در جواب با بیان کبرایی کلی قاعده‌ای را به وی می‌آموزند که «هرگاه شخصی اجرتی برای اصلاح امری دریافت نماید و سبب افساد آن امر شود، ضامن خواهد بود.» این قاعده با توجه به کلیتی که دارد، شامل محل نزاع پژوهش حاضر، یعنی مراجعه بیمار به روان‌شناس و مشاور نیز می‌شود؛ زیرا فرد در قبال مشاوره خویش اجرتی دریافت می‌نماید.

ج. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رُفِعَ إِلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَأْجَرَ رَجُلًا لِيُضْلِحَ بَابَهُ فَضَرَبَ الْمَسْمَارَ فَأُضْدَعَ الْبَابُ فَضَمَّنَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (كلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۴۳)؛ فردی که مردی را برای درست کردن در [خانه] خود اجیر نموده بود و در را با فرو کردن میخی شکسته بود، برای شکایت به امیرالمؤمنین مراجعه نمود و آن حضرت مرد اجیر را ضامن دانست.

روایت فوق نیز مصداقی از مصادیق قاعده و کبرای کلی فوق است.

د. عَنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ لَا ضَمَانَ عَلَى صَاحِبِ الْحَمَامِ فِيمَا ذَهَبَ مِنَ الثِّيَابِ لِأَنَّهُ إِنَّمَا أَخَذَ الْجُعْلَ عَلَى الْحَمَامِ وَلَمْ يَأْخُذْ عَلَى الثِّيَابِ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۱۴)؛ امام علی علیه السلام همیشه می‌فرمودند که بر صاحب حمام ضمانتی نیست در قبال ازین رفتن لباس‌های مراجعان؛ زیرا پول دریافتی در قبال حمام است و آن را در قبال نگاه‌داری لباس‌ها نگرفته است.

روایات فوق نیز به‌صراحت دلالت دارد که ضمان در حیطه اخذ اجرت در قبال عمل قابل‌تصور است و درباره آنچه مقارن با اصل حمام رفتن است و در مقابلش اجرتی دریافت نمی‌شود، ضمانی وجود ندارد. ازاین‌رو است که صاحب حمام درباره البسه افراد واردشده در حمام هیچ مسئولیتی نخواهد داشت؛ زیرا اجرت مأخوذه در قبال استفاده از حمام بوده است. در بحث ما نیز مشاور پس از ارتکاب خطا به‌جهت اخذ اجرت از سوی فرد مراجعه‌کننده در معرض ضمان به‌سبب قاعده و روایات فوق خواهد بود.

شاید در مقام اشکال به این روایات بیان شود که روایات و قاعده فوق با قاعده «الامین لا یضمن» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۲۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۵) در تعارض است؛ زیرا قاعده «الامین لا یضمن» دلالت بر عدم ضمان فرد امین دارد و در مثال‌های بیان شده در روایات فوق، فرد اجیر امین درباره مالی است که در اختیارش قرار داده می‌شود و طبیعتاً باید طبق قاعده «الامین لا یضمن»، ضامن نباشد.

در جواب باید بیان کرد که رابطه بین این دو قاعده، عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا قاعده عدم ضمان امین مطلق بوده و شامل فرض اخذ و عدم اخذ اجرت می‌شود، در حالی که قاعده ضمان اجیر در صورت افساد، شامل صورت اخذ اجرت است و طبیعتاً قاعده عدم ضمان امین حمل بر صورت عدم اخذ اجرت خواهد شد (قاینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۹).

ب. روایات خاصه

در موثقه سکونی چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ قَالَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّطَرَ فَلْيَأْخُذِ الْبِرَاءَةَ مِنْ وَلِيِّهِ وَ إِلَّا فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۴)؛ کسی که طبابت یا بیطاری می‌کند باید قبلاً از ولی

بیمار و صاحب حیوان برائت حاصل نماید وگرنه ضامن خواهد بود.

روایت فوق اولاً دال بر این است که طیب در صورت اخذ برائت از مریض در معرض ضمان و مسئولیت نیست و طبیعتاً در صورتی که اخذ برائت صورت نگیرد، در معرض ضمان و مسئولیت خواهد بود. لازم به ذکر است که موضوع اخذ برائت مقوله جداگانه‌ای است که در این مقاله بدان اشاره نکرده‌ایم. به عبارتی فرض در مسئله پژوهشی حاضر این نیست که مشاور قبل از انجام مشاوره از مراجع خود اخذ برائت کرده باشد.

۱-۴-۲. بنای عقلا

می‌توان ادعا نمود که بنای عقلا بر این امر استوار است که شخص جانی و مسبب

ایجاد خسارت در دیگری را ضامن و مسئول ادای این خسارت می‌دانند. در همین راستا، روایات باب تسبیب و قاعده اتلاف در راستای تأیید بنای فوق است (قائمی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۱)؛ با پذیرش بنای عقلای فوق که هیچ ردعی از آن از سوی شارع -الاروایات قول دوم که مورد نقد و بررسی خواهد گرفت- وارد نشده است. در فرض بحث ما نیز در صورت ایجاد خسارت مادی توسط مشاور در شخص مراجعه‌کننده به سبب خطای مشاور، به استناد بنای عقلا که از سوی شارع نیز امضاء شده است، مشاور ضامن خواهد بود.

۱-۴-۳. نقد و بررسی

تأمل در روایات فوق آشکار می‌سازد که طیب (جسم و روح) در فعل خویش در صورت عدم اخذ برائت در معرض ضمان است. پرواضح است که قول به ضمان در صورتی است که رابطه سببیت بین فعل طیب و خسارت ایجاد شده وجود داشته باشد و الا به صرف وقوع خسارت در فرد، طیب ضامن ادای خسارت نخواهد بود؛ بنابراین با وجود پذیرش تعمیم عنوان طیب در روایات فوق به مشاور و همچنین تعمیم قاعده ضمان اجیر به مشاور، می‌توان حکم به ضمان مشاور نمود، اما توجه به دو نکته مهم است:

۱. چون نوعاً کار مشاور امری غیرمباشری بوده و حیثیت مشاوره‌ای دارد، باید درباره تحقق عنوان سببیت توجه ویژه داشت؛ زیرا عنصر سببیت است که یا مثبت و یا نافی ضمان خواهد بود. با بیان فوق شاید درباره ایجاد عنوان تسبیب و سببیت در امر مشاوره تشکیک وجود داشته باشد؛ زیرا شخص مراجع به اختیار خویش به مشاور مراجعه نموده و مشاور نیز هیچ اجباری بر تمکین از تصمیمات و توصیه‌های خویش بر فرد ندارد و طبیعتاً تمامی افعال پسینی مستند به خود شخص خواهد بود.

در جواب این اشکال باید بیان کرد که فقها در باب ضمان صاحبان داروخانه فرضی مطرح نموده‌اند که اگر شخص بیمار به واسطه اعتماد به تبحر و تجربه صاحب داروخانه و نیز توصیه و تجویز او اقدام به مصرف دارویی نماید و به این سبب خسارتی بر او وارد

شود، قول به ضمان موجه است؛ زیرا صرف اعتماد به متصدی داروخانه و مصرف دارو در اثر این اعتماد، محقق عنوان تسبیب و سببیت است و لزوماً این عنصر نیازمند جبر و عدم اختیار بیمار و مراجع نیست (قاینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۴۰).

۲. مباشرت و عدم مباشرت در ایجاد خسارت، تأثیری در حکم به ضمان ندارد؛ زیرا حکم به ضمان مشاور در صورت وجود عنصر سببیت است و مباشرت و عدم آن از عناوین دخیل در ضمان به نحو استقلال نیست. شاهد بیان فوق این است که فقها در باب ضمان صاحبان داروخانه در صورتی که ایجاد خسارت در فرد به سبب دارو و مشاوره و توصیه این دارو به فرد مورد نظر باشد و فرد به سبب قول صاحب داروخانه اقدام به مصرف این دارو نماید و عنصر تسبیب در بین باشد، ضامن خسارت ایجاد شده خواهد بود؛ زیرا فرد مراجع به سبب اعتماد به او اقدام به مصرف دارو نموده است؛ بنابراین عنصر تسبیب با این میزان از تاثیر نیز محقق می گردد (قاینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۴۰).

۲-۴. قول به عدم ضمان

عده قلیلی از فقها نیز قائل به عدم ضمان طیب در باره خسارت ایجاد شده به سبب فعل خویش در بیمار هستند. ادله این دسته از فقها روایات است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق).

۲-۴-۱. روایات

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: كَانَ لِي ابْنٌ وَ كَانَ تُصِيبُهُ الْحَصَاةُ فَقِيلَ لِي لَيْسَ لَهُ عِلَاجٌ إِلَّا أَنْ تَبْطِئَهُ فَبَطَّئْتُهُ فَمَاتَ فَقَالَتِ الشَّيْعَةُ شَرِكْتَ فِي دَمِ ابْنِكَ قَالَ فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَحْمَدُ لَيْسَ عَلَيْكَ فِيمَا فَعَلْتَ شَيْءٌ إِنَّمَا التَّمَسَّتِ الدَّوَاءُ وَ كَانَ أَجَلُهُ فِيمَا فَعَلْتَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۳)؛ حمدان بن اسحاق گوید: پسر من به بیماری سنگ مثانه مبتلا شد، اطبا به من گفتند: درمان او فقط پاره کردن مثانه است. من به چنین عملی تن دادم و مثانه فرزندم را پاره کردند، اما پسر من از دنیا رفت. شیعیان گفتند: تو در خون پسر شریکی. من در نامه ای این جریان را به

امام عسکری علیه السلام نوشتم. امام علیه السلام نوشت: ای احمد! به خاطر کاری که انجام داده‌ای چیزی بر گردن تو نیست؛ همانا تو خواستار درمان او بودی، ولی مرگ پسرت در کاری که تو انجام دادی قرار داشت.

در روایت فوق، سائل از امام علیه السلام در این باره می‌پرسد که من به سبب تداوی فرزند خویش کاری را انجام داده‌ام که به سبب آن او مرده است و در این حال مردم به من می‌گویند که تو در خون او سهیم هستی و قاتل او محسوب می‌شوی. ایشان این مسئله را از امام عسکری علیه السلام در قالب مکاتبه‌ای می‌پرسند و امام در جواب او می‌فرمایند که هیچ چیزی بر عهده تو نیست.

این جمله به روشنی نشان می‌دهد که شخصی که به سبب فعل خویش در بیمار آسیبی ایجاد کرده است، مسئول جبران خسارت نیست.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يَشْرَبُ الدَّوَاءَ وَ يَقَطُّعُ الْعُرْقَ وَ رَبَّمَا انْتَفَعَ بِهِ وَ رَبَّمَا قَتَلَهُ قَالَ يَقَطُّعُ وَ يَشْرَبُ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹۴)؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم مردی دوايي می‌نوشد و رگ را می‌برد و شاید از این کار انتفاعی ببرد و شاید هم کشته شود. امام فرمودند ببرد و بنوشد.

روایت فوق ناظر بر انجام امور پزشکی است و موردی را که تداوی طیب منجر به قتل فرد می‌شود نیز در بر می‌گیرد. جواز انجام امری که منجر به قتل می‌شود، بدون اینکه درباره احتمال ضامن بودن به شخص توجه و تذکر داده شود، حاکی از عدم ضمان طیب درباره افعال خویش خواهد بود.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَخِيهِ الْعَلَاءِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحَسَنِ الْمُتَطَبِّبِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ وَ لِي بِالطَّبِّ بَصَرٌ وَ طَبِّي طَبُّ عَرَبِيٍّ وَ لَسْتُ آخِذٌ عَلَيْهِ صَفْدًا فَقَالَ لَا بَأْسَ قُلْتُ إِنَّا نَبِطُ الْجُرْحَ وَ نُكْوِي بِالنَّارِ قَالَ لَا بَأْسَ قُلْتُ وَ نَسْقِي هَذِهِ السُّمُومَ الْأَسْمَحِيْقُونَ وَ الْعَارِيْقُونَ قَالَ لَا بَأْسَ قُلْتُ إِنَّهُ رَبَّمَا مَاتَ قَالَ وَ إِنْ مَاتَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹۳)؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مردی از عرب

هستم و اطلاعاتی از طب عربی دارم و برای درمان پول نمی گیرم. امام فرمود اشکالی ندارد. عرض کردم زخم ایجاد می کنیم و با آتش داغ می کنیم. فرمود اشکالی ندارد. عرض کردم از زهرهای اسحققون و غاریقون به بیماران می دهیم. امام علیه السلام فرمود اشکالی ندارد. عرض کردم چه بسا بیمار بمیرد، فرمود هر چند بمیرد.

روایت فوق نیز دال بر عدم ضمان طیب است؛ زیرا امام علیه السلام تداوی منجر به موت را نیز جایز دانسته و حرفی از ضمان نمی زنند که نشان از عدم ضمان دارد.

۲-۴-۲. نقد و بررسی

به نظر می رسد ادله فوق جمعاً مخدوش است، زیرا:

روایت اول ناظر به فعل ولی است و از محل بحث خارج است (قائمی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۸۴؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۲). روایت دوم نیز چون ناظر به فعل شخص در نفس خویش است، ارتباطی به بحث ما که طبابت فردی برای دیگری است ندارد (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۲). روایت سوم مضافاً بر ضعف سندی به واسطه مجهول بودن اسماعیل بن حسن، صرفاً دال بر جواز معالجه است و اساساً ناظر به بحث ضمان نیست، و چون از این جهت در مقام بیان نیست، نمی توان به اطلاق آن اخذ نمود (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۲). البته بعضی از فقها روایات فوق را حمل بر عدم مباشرت طیب در طبابت نموده اند و به سبب اشتراط مباشرت در حکم به ضمان، قائل به عدم تعارض بین این روایات و روایات مثبت ضمان هستند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۴۹).

در اشکال بر مطلب فوق می توان گفت که اولاً عنصر مباشرت و عدم آن اساساً هیچ تأثیری در ضمان و عدم آن ندارد و هرگاه عنصر تسبیب باشد، ضمان خواهد بود، ولو این عنصر بدون مباشرت تحقق یابد. همچنین حمل روایات فوق بر عدم مباشرت خلاف ظاهر است، زیرا در تعابیر روایات عبارت هایی همچون «نبط، نسقی نکوی، فبططه» آمده است که ظهور در مباشرت دارند. در همین راستا می توان با نگاهی حقوقی به برخی از قوانین مجازات اسلامی مبنی بر تحقق ضمان اشاره نمود. طبق ماده

۳۱۹ قانون مجازات اسلامی، «هرگاه طیبی گرچه حاذق و متخصص باشد، در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند، هرچند به اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، ضامن است» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳). وجود این گونه قوانین نیز حاکی از مخدوش بودن قول به عدم ضمان است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، مسئله پژوهش حاضر با تکیه بر روایات باب کارشناس، ضمان طیب و خطای مجتهد در فتوا به عنوان مسئله‌ای فقهی-روان‌شناختی، از پشتوانه ادله و قواعد فقهی در منابع فقهی برخوردار است. با توجه به گستره بحث و فروض مختلف قابل طرح در این موضوع، تنها بررسی فقهی ضمان خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیر تبرعی که موجب خسارت مادی به مراجع می‌گردد، مورد بررسی قرار گرفت و سایر موارد در پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نتایج به دست آمده از تحلیل سه دسته روایات نشان داد که از سویی واژه کارشناس و طیب شامل مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی می‌شود و از سویی دیگر، بررسی روایات باب خطای مجتهد در فتوا، زمینه را برای طرح موضوع ضمان مشاور فراهم می‌آورد. یافته‌های پژوهش در بررسی اقوال متصور در مسئله حاکی از آن است که دو وجه ضمان و عدم ضمان، هر دو قابل طرح و دفاع ضمنی است، لکن نقد و بررسی اقوال متصور در مسئله، به‌ویژه بهره‌گیری از امکان تحقق «قاعده سببیت»، مطابق با دیدگاه آیت‌الله بروجردی، به نظر می‌رسد قول به ضمان قابل دفاع و از قوت بیشتری برخوردار است. باید توجه داشت که قول به ضمان مشروط با اخذ قیودی در مسئله پابرجا و معتبر خواهد بود؛ بدین معنا که اولاً مشاور در حیطة تخصص خود حاذق باشد، یعنی عنوان «کارشناس» در مشاوره‌های روان‌شناختی بر او قابل تطبیق باشد، ثانیاً مراجع به اعتماد و تکیه به قول مشاور کاری انجام دهد؛ یعنی توصیه و دیدگاه مشاور تنها علت رخداد زیان به وجود آمده باشد، ثالثاً این اعتماد منجر به خسارت مالی شود، و رابعاً مشاور در

قبال مشاوره هزینه دریافت کند. قید چهارم از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که حداقل خسارت ممکن همان هزینه‌ای باشد که مراجع پرداخته کرده، ولی به واسطه خطای مشاور به نتیجه مطلوب نرسیده است. در مجموع، با در نظر گرفتن آنچه از نقد و بررسی ادله مطرح گردید، یافته اصلی پژوهش حاضر آن است که قول به ضمان، در صورتی که خسارت مادی مستند به خطای مشاور در مشاوره‌های روان‌شناختی غیر تبرعی باشد، اقوی در مسئله مذکور است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آل راضی، محمد هادی. (۱۴۱۸ق). مسؤولية الطبيب و ضمانه. فقه أهل البيت، ش ۶-۵، صص ۱۵۰-۱۲۸.
۲. ابن ادریس حلی، محمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. ابن براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المذهب فی الفقه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: نشر مکتب الإعلام الإسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (۱۵ جلد). بیروت: نشر دار صادر.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان (چاپ اول، ج ۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. اشتهااردی، علی پناه. (۱۴۱۷ق). مدارک العروه (چاپ اول، ج ۶). تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
۹. امامی، سید حسن. (۱۳۹۷). حقوق مدنی (چاپ دهم). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۰. بهبهانی، محمد باقر. (۱۴۲۴ق). مصابیح الظلام (چاپ اول). قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
۱۱. بهبهانی، محمد باقر. (۱۴۱۷ق). حاشیة مجمع الفائدة والبرهان (چاپ اول). قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
۱۲. بهجت فومنی، محمد تقی. (۱۴۲۳ق). وسیلة النجاة (چاپ دوم). قم: انتشارات شفق.
۱۳. بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۹۳). ضمان قهری؛ مسئولیت مدنی (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

۱۵. جمعی از پژوهش‌گران. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم‌السلام (چاپ اول، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ج ۱۱). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه.
۱۶. حائری، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (چاپ اول، ج ۲، ۹، ۱۳ و ۱۵). قم، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۱۷. حرانی، ابن شعبه. (۱۳۸۲). تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. قم: نشر آل علی.
۱۸. حسنی، ابوالحسن. (۱۳۹۴). مسئله خطا در اجتهاد. مجله حقوق اسلامی، ۱۲(۴۵)، صص ۱۰۷-۱۲۴.
۱۹. حسینی روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه‌السلام (چاپ اول، ج ۱۸). قم: دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه‌السلام.
۲۰. خوانساری نجفی، موسی. (۱۳۷۳ق). منیة الطالب فی حاشیه مکاسب. تهران: نشر المكتبة المحمدیه.
۲۱. خوانساری، آقا جمال‌الدین. (بی تا). التعليقات علی الروضة البهیة (چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه الرضویه.
۲۲. خوئی، سید ابولقاسم. (۱۴۱۳ق). موسوعة الامام الخوئی (چاپ اول). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی علیه‌السلام.
۲۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۴. رحمانی منشادی، مهدی؛ کارگران بافقی، احسان. (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی ناشی از خطا در مشاوره علمای مذهبی. مجله علم و کالت، ۲(۱)، صص ۱۰۶-۸۷.
۲۵. رشتی، میرزا حبیب‌الله. (۱۳۱۱ق). کتاب الاجاره (چاپ اول). بی جا: بی نا.
۲۶. زبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۰۷ق). تاج العروس من جواهر القاموس. مصر: نشر المطبعة الخیریه.
۲۷. سبزواری، محمد باقر. (۱۴۲۳ق). کفایة الأحکام (چاپ اول، ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۸. شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۳). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی. تهران: انتشارات سمت.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام (چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۳۰. صافی گلپایگانی، علی. (۱۴۳۰ق). ذخیره العقبی فی شرح العروة الوثقی (چاپ اول). قم: گنج عرفان.
۳۱. طاهری، حبیب الله. (۱۳۹۲). حقوق مدنی. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی (چاپ اول، محشی: سید محمد رضا گلپایگانی). قم: دفتر انتشارات.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه (چاپ سوم). تهران: نشر المكتبة المرتضویة.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۹ق). استقصاء الاعتبار (چاپ اول). قم: انتشارات آل البيت علیه السلام.
۳۶. عاملی، محمد بن علی موسوی. (۱۴۱۱ق). مدارک الاحکام (چاپ اول). بیروت: انتشارات آل البيت علیه السلام.
۳۷. عاملی، سید جواد حسینی. (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. عمید، حسن. (۱۳۷۴). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۹. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۳۸۱). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله. قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله: اجاره (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ق). العین. بیروت: نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۲. قاینی، محمد. (۱۳۸۲). المبسوط فی فقه المسائل المعاصره: المسائل الطیبه. قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۳. کاظمی، محمود. (۱۳۸۹). تحقیقی پیرامون سیر اندیشه ضمان طیب در فقه امامیه. فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۱). صص ۲۹۵-۲۷۵.
۴۴. کراچکی، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق). کنز الفوائد. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: انتشارات اسلامی.
۴۶. کیانی، اردشیر. (۱۳۹۱). اخلاق حرفه‌ای مشاوران (چاپ اول). تهران: انتشارات و رای دانش.
۴۷. لنگرودی، سیدمحمدحسن. (۱۴۱۲ق). الدر النضید فی الاجتهاد (چاپ اول). قم: مؤسسه انصاریان.
۴۸. محقق داماد، سیدمحمد. (۱۴۰۱ق). کتاب الحج (چاپ اول). قم: چاپخانه مهر.
۴۹. مدنی کاشانی، رضا. (۱۴۰۸ق). کتاب الدیات (چاپ اول). قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۰. معین، محمد. (۱۳۸۳). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۹ق). المسائل المستحدثه فی الطب. مجله فقه اهل‌البيت، ۱۰، صص ۲۵-۵۵.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲ق). بحوث فقهیه هامه (چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امیرالمومنین علیهم السلام.
۵۳. موسوی خلخالی، سیدمحمد مهدی. (۱۴۲۷ق). فقه الشیعه: کتاب الاجاره (چاپ اول). تهران: انتشارات منیر.
۵۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیه السلام.

۵۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۰۴ق). زبدة الأحكام (چاپ اول). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۶. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (چاپ هفتم، ج ۲۴، ۲۵ و ۳۸). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۷. نقیعی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۸). خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر (چاپ دوم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۸. نیک‌فرجام، زهره. (۱۳۹۲). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق. مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۶(۱۱)، صص ۱۲۷-۱۰۵.
۵۹. واشیان، عباس‌علی. (۱۳۹۷). مسئولیت پزشکی (چاپ اول). قم: انتشارات فانوس اندیشه.
۶۰. وکیلان، منوچهر؛ کرباسی، منیژه. (۱۳۸۶). مقدمات راهنمایی و مشاوره (چاپ دوم). تهران: انتشارات پیام نور.

References

* The Holy Qur'an

1. A group of researchers. (1423 AH). *Encyclopedia of Islamic jurisprudence according to the religion of the Ahl al-Bayt*. (1st ed., under the supervision of Seyyed Mahmoud Hashemi Shahroudi, vol. 11). Qom: Encyclopedia of Fiqh Institute. [In Arabic]
2. Ale Radhi, M. H. (1418 AH). Medical responsibility and guarantee. *Fiqh of Ahl al-Bayt*, No. 5-6, pp. 128-150. [In Arabic]
3. Ameli, M. (1411 AH). *Madarik al-Ahkam*. (1st ed.). Beirut: Alulbayt Publications. [In Arabic]
4. Ameli, M. (1419 AH). *Istifsa' al-Itebar*. (1st ed.). Qom: Alulbayt Publications. [In Arabic]
5. Ameli, S. J. H. (n.d.). *Miftah al-Karamah fi Sharh Qawa'id al-Allamah*. (1st ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
6. Amid, H. (1374 AP). *Amid dictionary*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
7. Ardebili, A. (1403 AH). *Majma' al-Fa'idah va al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhan*. (1st ed., vol. 8). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
8. Bahrami Ahmadi, H. (1393 AP). *Coercive guarantee; Civil Liability*. (2nd ed.). Tehran: Imam Sadegh University Publications. [In Persian]
9. Behbahani, M. B. (1417 AH). *Hashieh Majma' al-Fa'idah va al-Burhan*. (1st ed.). Qom: Al-Alamah Al-Wajid Al-Behbahani Institute. [In Arabic]
10. Behbahani, M. B. (1424 AH). *Masabih al-Zalam*. (1st ed.). Qom: Al-Alamah Al-Wahid Al-Behbahani Institute. [In Arabic]
11. Behjat Foumani, M. T. (1423 AH). *Wasilah al-Najat*. (2nd ed.). Qom: Shafaq Publications. [In Arabic]
12. Dehkhoda, A. A. (1337 AP). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: University of Tehran Press: Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
13. Emami, S. H. (1397 AP). *Civil Law*. (10th ed.). Tehran: Islamiyeh Bookstore. [In Persian]

14. Eshtehardi, A. (1417 AH). *Madarik al-Urwah*. (1st ed., Vol. 6). Tehran: Dar Al-Uswat le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
15. Farahidi, K. (1408 AH). *Al-Ain*. Beirut: Mu'asisah al-A'alami le al-Matbuat Publications. [In Arabic]
16. Fazel Movahedi Lankarani, M. (1381 AP). *Tafsil al-Shariah fi Sharh Tahrir al-Wasilah*. Qom: Publication of the Jurisprudential Center of the Imams. [In Persian]
17. Fazel Movahedi Lankarani, M. (1421 AH). *Tafsil al-Shari'ah fi Sharh Tahrir al-Wasilah: Ijareh*. (1st ed.). Qom: Jurisprudential Center of the Imams. [In Arabic]
18. Haeri, S. A. (1418 AH). *Riyadh al-Masa'il*. (1st ed., Vols. 2, 9, 13 & 15). Qom, Alulbayt Institute. [In Arabic]
19. Harani, I. S. (1382 AP). *Tuhaf al-Uqul an Ale al-Rasoul*. Qom: Ale Ali Publications. [In Persian]
20. Hassani, A. (1394 AP). The issue of error in ijtihad. *Journal of Islamic Law*, 12(45), pp. 107-124. [In Persian]
21. Hosseini Rouhani, S. S. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq*. (1st ed., vol. 18). Qom: Dar Al-Kitab-Imam Sadegh School. [In Arabic]
22. Ibn Babewaiyh, M. (1404 AH). *Man la yahzar al-Faqih*. Qom: Teachers Association Publications. [In Arabic]
23. Ibn Baraj, A. (1406 AH). *Al-Muhadab fi al-Fiqh*. Qom: Teachers Association Publications. [In Arabic]
24. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqa'ees al-Loqah*. Qom: Maktab al-A'alam al-Islami Publications. [In Arabic]
25. Ibn Idris Heli, M. (1410 AH). *Al-Sarair Al-Hawi le Tahrir al-Fatawa*. Qom: Teachers Association Publications. [In Arabic]
26. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. (15 Vols.). Beirut: Dar Sader Publications. [In Arabic]
27. Jafari Langroudi, M. J. (1383 AP). *Legal terminology*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications. [In Persian]

28. Karajaki, M. (1416 AH). *Kanz al-Fawa'id*. Qom: Islamic publications affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
29. Kazemi, M. (1389 AP). Research on the course of the idea of guaranteeing a doctor in Imami jurisprudence. *Law Quarterly: Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 40(1). pp. 275-295. [In Persian]
30. Khansari Najafi, M. (1373 AH). *Minya al-Talib fi Hashiah al-Makasib*. Tehran: Al-Maktabah Al-Muhammadiyah Publications. [In Arabic]
31. Khansari, A. (n.d.). *Al-Ta'aliqat ala Al-Rawdah Al-Bahiya*. (1st ed.). Qom: Razaviyeh School Publications.
32. Khoei, S. A. (1413 AH). *Mawsu'at al-Imam Al-Khoei*. (1st ed.). Qom: Imam Al-Khoei Works Revival Institute. [In Arabic]
33. Kiani, A. (1391 AP). *Professional Ethics of Consultants*. (1st ed.). Tehran: Varaye Danesh Publications. [In Persian]
34. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. Tehran: Islamic Publications. [In Arabic]
35. Langroudi, S. M. H. (1412 AH). *Al-Dor al-Nazid fi al-Ijtihad*. (1st ed.). Qom: Ansarian Institute. [In Arabic]
36. Madani Kashani, R. (1408 AH). *Kitab al-Diyat*. (1st ed.). Qom: Islamic publications affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
37. Makarem Shirazi, N. (1419 AH). Al-Masa'il al-Mustahdasah fi al-Tib. *Journal of Fiqh al-Ahlulbayt*, 10, pp. 25-55. [In Arabic]
38. Makarem Shirazi, N. (1422 AH). *Bohouth fiqhiyah Hamah*. (1st ed.). Qom: Amir Al-Momenin School Publications. [In Arabic]
39. Moein, M. (1383 AP). *Moein Dictionary*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
40. Mohaghegh Damad, S. M. (1401 AH). *Kitab al-Hajj*. (1st ed.). Qom: Mehr Printing House. [In Arabic]
41. Mousavi Khalkhali, S. M. M. (1427 AH). *Fiqh al-Shia: Kitab al-Ijarah*. (1st ed.). Tehran: Munir Publications. [In Arabic]

42. Mousavi Khomeini, S. R. (1404 AH). *Zobdat al-Ahkam*. (1st ed.). Tehran: Islamic Propaganda Organization. [In Arabic]
43. Mousavi Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bay'e*. (1st ed.). Tehran: Institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
44. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam*. (7th ed., vols. 24, 25 & 38). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
45. Naqibi, S. A. (1388 AP). *Moral Damage in Islamic Law, Iran and Contemporary Legal Systems*. (2nd ed.). Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
46. Nikfarjam, Z. (1392 AP). Compensation for moral damages in jurisprudence and law. *Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 6(11), pp. 105-127. [In Persian]
47. Qayeni, M. (1382 AP). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Masa'il al-Mu'asirah: al-Masa'il al-Tayebah*. Qom: Publications of the Jurisprudential Center of the Imams. [In Persian]
48. Rahmani Manshadi, M., & Kargaran Bafqi, E. (1398 AP). Civil liability for errors in the advice of religious scholars. *Journal of Ilme Vekalat*, 2(1), pp. 87-106. [In Persian]
49. Rashti, M. H. (1311 AH). *Kitab al-Ijarah*. (1st ed.). [In Arabic]
50. Sabzewari, M. B. (1423 AH). *Kifayah al-Ahkam*. (1st ed., vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
51. Safi Golpayegani, A. (1430 AH). *Zakhirah al-Uqba fi Sharh al-Urwat al-Wosqa*. (1st ed.). Qom: Ganje Erfan. [In Arabic]
52. Shafi'abadi, A. (1383 AP). *Academic and career guidance and counseling*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
53. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalak al-Afham fi Sharh Sharia al-Islam*. (1st ed.). Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
54. Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1419 AH). *Al-Urwat al-Wosqa*. (1st ed., Golpayegani, S. M. R, Ed.). Qom: Publishing Office. [In Arabic]

55. Taheri, H. (1392 AP). *Civil Rights*. Qom: Islamic publications affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Persian]
56. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah*. (3rd ed.). Tehran: Publication of Mortazavi Library. [In Arabic]
57. Tusi, M. (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam*. (4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
58. Vakilian, M., & Karbasi, M. (1386 AP). *An Introduction to guidance and counseling*. (2nd ed.). Tehran: Payame Noor Publications. [In Persian]
59. Vashian, A. A. (1397 AP). *Medical Responsibility*. (1st ed.). Qom: Fanoos Andisheh Publications. [In Persian]
60. Zobeidi, M. M. (1307 AH). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous*. Egypt: Nashr al-Matba'ah al-Kheiriyah. [In Arabic]